

**Abstract:**

Developments in Iraqi Kurdistan, especially after Saddam, have raised a number of security concerns for Iraq's Kurdish population areas. Given the Kurdish presence on the border with the four Kurdish countries of Iran, Iraq, Turkey and Syria, any change not only could upset regional and trans-regional sensitivities and tensions also can upsetting the balance of power in the Middle East. The fall of Saddam Hossein and the rise of the Islamic State of Iraq and the the Levant (ISIL) weakened the Iraqi central government and brought the Iraqi Kurdistan region to power. The leaders of the Iraqi region declared the independence of the region in the media, in the hope of using the role of the Zionist regime to encourage the United States to support the Iraqi Kurdistan region, given the intense conflicts and differences between the countries in the region. The imbalance of power in the region was followed by regional threats to other countries. The declaration of independence turned Iraqi Kurdistan into an arena of rivalry and conflict between regional and supra-regional powers. This article aims to assess the process of independence of Iraqi Kurdistan and the role of regional and supra-regional actors. What are the challenges facing the independence of Iraqi Kurdistan? current study follows the descriptive and analytical method with the hypothesis that the independence of the Iraqi Kurdistan region has faced several challenges at the regional and supra-regional level. The internal situation in Iraq, such as the opposition of the Iraqi government, groups and parties, the conflict between the two major Kurdish parties, and regional conditions, such as the opposition of Iran and Turkey, and trans-regional conditions, such as the lack of serious US and European support, the independence of Iraqi Kurdistan and the formation of an independent government has become impossible.

Keywords: Iran, regional powers, supra-regional powers, Iraqi Kurdistan region, Kurdish

## نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در استقلال کردستان عراق با تأکید بر نقش ایران، اسرائیل و آمریکا

حسین احمدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

علی مرادی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

مرتضی اباذری<sup>۳</sup>

## چکیده:

تحولات اقلیم کردستان عراق به ویژه پس از صدام، مجموعه‌ای از دغدغه‌های امنیتی برای کشورهای همسایه عراق که دارای جمعیت کردنشین هستند پدید آورده است. رهبران اقلیم عراق با توجه درگیری و اختلاف شدید میان کشورهای منطقه و به امید استفاده از نقش رژیم صهیونیستی جهت تشویق آمریکا به حمایت از منطقه کردستان عراق، استقلال این منطقه را اعلام و رسانه‌ای کردند. این اعلام بدون مراجعه به نظر مردم عراق، سبب برهم خوردن موازنه قدرت در منطقه و به دنبال آن تهدیدات منطقه‌ای برای سایر کشورها شد. اعلام استقلال، کردستان عراق را به عرصه رقابت و نزاع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کرد. این مقاله با هدف بررسی فرایند استقلال کردستان عراق و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشد. تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش بوده که چالش‌های پیش روی استقلال کردستان عراق کدامها هستند؟ این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به دنبال این فرضیه بوده که استقلال اقلیم کردستان عراق با چالش‌های متعددی در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روبرو بوده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با توجه به شرایط داخلی کشور عراق همچون مخالفت دولت، گروه‌ها و احزاب عراقی و درگیری دو حزب عمده کردی با همدیگر و شرایط منطقه‌ای مانند مخالفت ایران و ترکیه و شرایط فرامنطقه‌ای همچون عدم حمایت جدی آمریکا و اروپا، تحقق استقلال کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل کرد ممکن نیست.

واژگان کلیدی: ایران، قدرت‌های منطقه‌ای، قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اقلیم کردستان عراق، کرد.

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا-اصفهان-ایران (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا-اصفهان-ایران (نویسنده)<sup>۲</sup>

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا-اصفهان-ایران<sup>۳</sup>

مقدمه:

تجاوز نظامی آمریکا به عراق و اشغال آن در مارس ۲۰۰۳ میلادی که منجر به سقوط رژیم بعث و شخص صدام گردید، سرآغاز دوران جدیدی در روابط عراق با دیگر کشورها شد. در میان حوادث متعدد خاورمیانه در قرن حاضر، تحولات انجام شده در کردستان برای پیگیری حقوق کردها به ویژه در عراق دارای اهمیت است. در این مدت با پیش آمدهای گوناگون که هر کدام به ایجاد خلاء قدرت در منطقه و عراق منجر شده است، انگیزه کردها را برای به دست آوردن حقوق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود در قالب های مختلف از قبیل خودمختاری، فدرالیسم و استقلال آنها افزایش داده است. اشغال عراق و سرنگونی رژیم بعث، تدوین قانون اساسی جدید، روی کار آمدن دولت تازه، تشکیل دولت خودمختار و سپس فدرال در عراق، شروع بحران داعش در منطقه و به ویژه در عراق و سوریه، اقدامات حکومت اقلیم در کردستان در حوزه های مختلف فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی و به ویژه ضعف دولت مرکزی عراق و حمایت برخی از قدرت های منطقه ای مانند رژیم اسرائیل و دولت های فرا منطقه ای مثل آمریکا و اروپا و همچنین سکوت و چراغ سبز برخی از دولت های عربی منطقه سبب شد برخی از رهبران اقلیم عراق برای اعلام استقلال در منطقه کردستان ترغیب شوند. اهمیت و جایگاه عراق در منطقه و تحولات انجام شده در این کشور ايجاب میکند شناخت مناسبی از وضعیت اقلیم کردستان عراق فراهم شود تا براساس آن بتوان به درک درستی از چرایی و نحوه تصمیم گیری سران اقلیم عراق دست پیدا کرده و موانع و علل ناکامی آن را بررسی و براساس آن آینده عراق و منطقه و پیامدهای آن را تبیین کنیم. مقاله حاضر سعی دارد از منظری متفاوت به موضوع کردستان عراق بپردازد. چون با توجه به جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کردستان عراق، می تواند تأثیرات متعددی در عراق، کشورهای پیرامون آن و سیاست های خاورمیانه ای قدرت های فرامنطقه ای داشته باشد. این تحقیق با بررسی شرایط منطقه ای و داخلی عراق و با هدف بررسی اعلام فرایند استقلال کردستان عراق از سوی مسعود بارزانی و بررسی علل و موانع ناکامی اقلیم در اعلام استقلال، در صدد پاسخگویی به این سوال است که چالش ها و موانع پیش روی استقلال در منطقه خاورمیانه کدامند؟ پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس نظریه رئالیسم به چرایی اقدام سران اقلیم، موانع آن و واکنش قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای می پردازد.

### ۱- اقلیم کردستان عراق

اقلیم کردستان عراق شامل استانهای اربیل، موصل، کرکوک، دهوک و سلیمانیه می باشد که حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور عراق را تشکیل می دهد. (برنکاتی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). این منطقه از جمله نواحی پرجمعیت و سوق الجیشی است که بر اساس توافقنامه سایکس پیکو در سال ۱۹۱۶ و به دنبال توافق کشورهای انگلیس و فرانسه برای تقسیم امپراتوری عثمانی و تشکیل کشوری جدید به نام عراق شکل گرفت (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). اما موضوع کردستان عراق و الحاق آن به کشور عراق در پیمان لوزان توسط انگلستان به صورت دیگری رقم خورد. به دنبال درخواست ملک فیصل برای الحاق کردستان به عراق و موفقیت های کمال آتاتورک، انگلیسی ها به این

نتیجه رسیدند تا برای جلوگیری از درگیری احتمالی با ترکیه بر سر موصل و کرکوک با الحاق کردستان به عراق موافقت کنند. کردهای عراق که از مدت ها پیش در راستای خودمختاری و استقلال مبارزه خود را با امپراتوری عثمانی شروع کرده بودند، با پیمان لوزان و الحاق کردستان به عراق با دولت مرکزی عراق درگیر شدند که به دنبال آن قیام های متعددی از طرف کردهای عراق برای به دست آوردن حقوق خود انجام شد. از جمله این قیامها می توان به قیام ملا مصطفی بارزانی در سال ۱۹۳۲ اشاره کرد. آنچه در تمام این حوادث نقش کلیدی را ایفا می کرد نقش دولت های خارجی، قوت و ضعف دولت مرکزی کشور عراق و اختلاف کردها با همدیگر بود.

یکی از نکات بسیار مهم حمله صدام به کشور کویت است که باعث تغییر معادلات آتی در منطقه شد. بعد از این حمله، آمریکا مواضع خود را نسبت به دولت عراق تغییر داد و با حمایت آشکار خود از نیروهای مخالف دولت عراق (صدام)، منطقه امن تحت حاکمیت کردها با نام مدار ۳۶۰ درجه را تشکیل داد. در این منطقه حزب اتحادیه میهنی بر سلیمانیه و حزب دمکرات بر اربیل تسلط پیدا کردند و مناطق نفتی کرکوک و موصل همچنان در اختیار دولت مرکزی عراق باقی ماند. (ملا عمر، ۱۳۸۰: ۱۱۰). سقوط دولت مرکزی عراق و خلاء ایجاد شده به دلیل ضعف دولت مرکزی، سبب شکل گیری حکومت خودگردان کرد در شمال عراق شد. (پیشگامی فرد و نصراللهی زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۰). کردها که در طول چند دهه گذشته در انزوای ژئوپلیتیکی بودند از شرایط به وجود آمده نهایت استفاده را کردند و به عنوان یکی از ارکان سه گانه قدرت در کنار شیعه ها و اهل سنت قرار گرفتند. موقعیت جدید تا جایی پیش رفت که برخی معتقدند بدون همراهی کردها امکان تصمیمات اساسی وجود ندارد. همین عامل هم باعث شد که آمریکا اراده جدی برای حمایت از کردها جهت تشکیل دولت مستقل نداشته و از وجود آنان به عنوان آلترناتیو علیه دولت مرکزی عراق و نفوذ ایران استفاده کند. موضوع دیگری که که تاثیرات فراوانی بر منطقه کردستان عراق گذاشت ظهور داعش، قدرت یابی آن و تصرف موصل بود. پس از تصرف موصل توسط داعش، به دلیل ضعف بنیه نظامی، نیروهای دولت مرکزی مجبور به عقب نشینی شده و این باعث گردید اقلیم کردستان عراق با حمایت دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای از فرصت به وجود آمده استفاده کرده و نیروهای خود را در بیشتر مناطق مورد مناقشه مانند کرکوک با دولت مرکزی مستقر کند. بعد از این قضیه رییس منطقه اقلیم کردستان اعلام کرد کرکوک بخشی از منطقه کردستان است (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). اقلیم کردستان عراق پس از تحولات فوق و موفقیت های اولیه سعی کرد در فضای استثنایی به وجود آمده ناشی از (ضعف دولت مرکزی و درگیری آن با داعش، عدم حساسیت بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای) در سطح ملی، منطقه ای و ناحیه ای اقدامات خود را سامان دهی کرده و و مقدمات تشکیل دولت مستقل را فراهم کند. حکومت اقلیم کردستان عراق با استفاده از امکانات خود و نیز فرصت های منطقه ای و جهانی به سرعت در حال ایجاد و توسعه نهادهای سیاسی، اداری و قانونی خود و پیدا کردن شکل کامل یک سازمان حکومتی است. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۰). اقلیم کردستان عراق توانست برای اولین بار در سطح ملی در شکل گیری و تصویب قانون اساسی عراق جدید به عنوان بازیگر فعال وارد عمل شده و امتیازات خاصی از دولت مرکزی کسب کند. پست های کلیدی ریاست جمهوری، معاونت های

مجلس مقننه و نخست وزیری، وزارت خارجه و ریاست ستادکل ارتش از جمله موفقیت های کردها در قانون اساسی جدید عراق است. اقلیم کردستان عراق در سطح منطقه ای نیز با انجام اقدامات متعددی سعی کرده ضمن پیدا کردن شکل و سازمان حکومتی، وجهه مردمی را کسب و رضایت نسبی فراهم کند. حکومت اقلیم کردستان همچنین سعی در حل اختلافات فی ما بین اقلیم و دولت مرکزی به خصوص در خصوص نفت، وضعیت کرکوک و نیروهای پیشمرگ داشته است. اقدامات فوق توسط اقلیم کردستان در ده های اخیر سبب احیای مجدد ناسیونالیسم قومی کرد و تقویت هویت و فرهنگ آن شده است، تا جایی که هویت و آرمان استقلال کردستان عراق و تاسیس دولت مستقل کردی در اذهان رشد پیدا کرده است. به نظر می رسد حکومت اقلیم کردستان عراق با ایجاد بسترها و زمینه های لازم در صدد فرصت مناسبی بوده است تا اهداف آرمانی خود را عملیاتی کند. آنچه که موجب تسریع در اعلان همه پرسی اقلیم کردستان عراق شدت ترس از دست دادن فرصت تاریخی ایجاد شده ناشی از ضعف دولت مرکزی عراق و اختلاف دولت های منطقه ای با یکدیگر است. از طرف دیگر اشتباه محاسبات استراتژیک سران اقلیم کردستان عراق در تحلیل شرایط منطقه ای، بازیگران و قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای سبب شد که اعلام استقلال کردستان در دستورکار اقلیم قرار گیرد، در این خصوص می توان به دلایل و موارد ذیل اشاره کرد:

\* حکومت منطقه اقلیم کردستان عراق بر این باور است که اختلاف فی مابین اعراب و ایران به خصوص عربستان، باعث حمایت ایران و اعراب از اکراد خواهد شد.

\* اقلیم کردستان عراق به این نتیجه رسیده است که که پایان داعش و تحولات داخلی عراق به گونه ای است که امکان حضور آمریکادر تحولات آینده عراق کم رنگ خواهد شد.

\* رهبران اقلیم عراق درک درست و مناسبی از شرایط داخلی و منطقه ای نداشتند و سرنوشت خود و معادلات پیچیده منطقه ای را صرفا به حمایت آمریکا و برخی کشورهای منطقه ای گره زده بودند.

\* حکومت اقلیم کردستان عراق معتقد است اعلان استقلال کردها، باعث افزایش تنش میان اسراییل و ایران خواهد شد. این امر فرصت مناسبی است تا از توان رژیم اسراییل برای حمایت از استقلال و همه پرسی استفاده شود.

\* اقلیم کردستان عراق به رهبری بارزانی تصور نمی کردیکه تازی آنها حساسیت دیگر احزاب و گروه های کردی به ویژه حزب اتحاد میهنی کردستان را به همراه داشته باشد و باعث احیای اختلافات گذشته باشد.

\* آمریکا برخلاف تصور رهبران منطقه کردستان عراق، با همه پرسی همراهی نکرد، چون حاضر نبود متحد بسیار مهمی مانند ترکیه را از دست بدهد و باعث آزردهی خاطر اعراب منطقه به دلیل تجزیه عراق شود.

\* مشکل دیگر در مسیر استقلال کردستان عراق، ترکیب جمعیتی این کشور بود. زیرا عراق ترکیبی از قومیت ها و مذاهب مختلف است. از نظر قومی، اعراب حدود ۸۰ درصد جمعیت این کشور را به خود اختصاص داده است. کشور عراق از سه گروه عمده و اصلی (شیعیان، اهل سنت و کردها) تشکیل شده است. در کنار آنها مسیحیان، یهودیها، ترکمن ها و ... حدود ۵ درصد نیز وجود دارند. شیعه ها با اکثریت ۶۵ درصد خواهان اجرای کامل قانون اساسی هستند، چون تسلط آنها را بر امور ممکن می سازد. اهل سنت با ۳۷

در صد که از دیرباز در راس قدرت عراق بودند در قانون اساسی جدید جایگاه خود را از دست رفته تصور می کنند. کردها با حدود ۲۰ درصد که که عمدتاً از اهل سنت هستند به دنبال افزایش قدرت خود مختاری و حرکت به سوی آرمان های خود هستند (www.iraq demographics profile.2014). مشکل عمده گروه های سه گانه صدرالاشاره این است که هر کدام از آنان برای تقویت خود در برابر دیگران، به دنبال منابع هویتی و بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای و جهانی حرکت می کنند. که این امر شکاف هویتی را در این کشور تقویت می کند. (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). جهت گیری شیعیان، اهل سنت و کردها نسبت به همدیگر و ارتباطات هر کدام از آنان با قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای، تحولات عراق را بیش از پیش بحرانی کرده است (ترابی، ۱۳۹۰). در این میان رویکرد کردها تا حدودی متفاوت از دو گروه دیگر بوده است. کردها در تحولات بعد از سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ بعد از اعلام منطقه پرواز ممنوع در کنار نیروهای ائتلافی در تقابل با دولت مرکزی قرار داشتند، اما از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ پس از سرنگونی صدام این تقابل به همکاری و سازش با دولت مرکزی تبدیل شد. در همین سال ها بود که کردها به متحدان اطلاعاتی آمریکا در عراق تبدیل شدند (درویشی و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۴۷). همکاری کردها با دولت مرکزی پس از تصویب قانون اساسی جدید با چالش و بحران روبه رو شد. کردها که در قالب فدرالیسم به امتیازات مهمی دست یافته بودند در صدد افزایش قدرت خود برآمدند. مواردی نظیر انعقاد قراردادهای نفتی با خارج، تاکید بر اجرای ماده (۱۴۰) و... که اختلاف فیما بین را تشدید کرد. آنچه در این میان اختلافات را دامنه دارتر و قدرت کردها را افزایش داد موضوع پیدایش داعش و ضعف دولت مرکزی عراق بود که باعث شد کردها با حمایت بعضی از دولتهای خارجی (خاصه ایران) اراضی اشغال شده توسط داعش را پس گرفته و تحت کنترل خود در آورند. در چنین شرایطی بود که کردها به رهبری حزب دمکرات وضعیت را مساعد دیده و اعلان همه پرسی استقلال را مطرح و اجرا کردند.

## ۲- عوامل عدم موفقیت منطقه کردستان عراق در اعلام استقلال

### ۲-۱- اختلافات داخلی

از جمله موانع اصلی تشکیل دولت مستقل کردی توان به اختلافات داخلی عراق اشاره کرد. این اختلاف در سطوح مختلفی مانند اختلاف میان احزاب کرد، اختلاف میان کردها با دولت مرکزی و عدم همراهی گروه های شیعه و سنی عراق قابل مشاهده است.

### ۲-۱-۱- اختلاف احزاب کرد

از دیرباز احزاب و گروه های مختلف کردی، اختلافات عدیده ای بر روی مسائل مختلف نظیر اختلافات فکری و ایدئولوژیکی، اختلاف بر نحوه تصمیم گیری درباره مسائل ملی و مهم در کردستان عراق و به ویژه رهبری کردها وجود داشته است. (نوری اصل، ۱۳۹۵) این

اختلافات در برخی مقاطع بنا به دلایلی تشدید شده و اوج آن از سال های ۱۹۹۴ به بعد است. این امر به تجزیه دو منطقه کردی بین حزب دمکرات به رهبری بارزانی (اربیل) و حزب اتحادیه میهنی به رهبری طالبانی (سلیمانیه) منجر شد. هرچند موضوع به واسطه حضور آمریکا و میانجی‌گری آن فروکش کرد، اما سابقه اختلافات گذشته و پیدایش احزاب جدید کردی چون جنبش تغییر، حزب اتحاد اسلامی کردستان و حزب حمایت اسلامی کردستان و از طرف دیگر انحصارگرایی برخی احزاب کردی و دخالت نکردن بقیه احزاب، مانع اتحاد استراتژیک کردها در حال حاضر و آینده خواهد بود، موضوعی که در اعلان استقلال کردستان توسط بارزانی خود را نشان داد. گروه‌های سیاسی در اقلیم به ویژه احزاب رقیب حزب دمکرات کردستان، سیاست‌های بارزانی و حزب دکرات را مورد انتقاد قرار می‌دهند. شاید به دلیل انحصارگرایی حزب دمکرات بود که حزب اتحادیه میهنی ضمن عدم همراهی از اعلان استقلال کردستان موضوع خود در سلیمانیه نیز عقب‌نشینی کرد و همین عامل سبب تقویت مواضع دولت مرکزی عراق شد. از این رو می‌توان گفت تضادهای موجود جریان‌های کردی فعال در پرتو استراتژی استقلال طلبی پنهان شده و فرصت خودنمایی نمی‌یابد و در صورت فراهم شدن شرایط و بسترهای مناسب ظهور پیدا خواهد کرد. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۱)

## ۲-۱-۲- اختلاف کردها با دولت عراق

باید پذیرفت که دولت عراق، حاضر به پذیرش خودمختاری اقلیم کردستان عراق نبوده است و اگر شرایط خاص در عراق حاکم نمی‌شد (تهاجم آمریکا و سقوط صدام و پیدایش داعش) شاید روند تحولات به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. بنابراین پذیرش وضعیت فدرالیسم بر اساس الزامات بوده است. اما علی‌رغم آن حکومت اقلیم عراق و دولت عراق دارای مشکلات جدی و اساسی هستند، مثل حفظ موجودیت نیروهای نظامی پیش‌مرگه، مرزها و حوزه جغرافیایی منطقه کردستان و به طور مشخص منطقه کرکوک، روابط خارجی، بودجه و سهم داشتن در دولت و... هرچند الگوی رفتاری کردها پس از سال‌های ۲۰۰۳ بر هم‌گرایی و همکاری تاکتیکی با گروه‌های گوناگون در جهت رسیدن به اهداف عمده خود یعنی افزایش وسعت ناحیه اقلیم کردستان عراق، خودگردانی بیشتر و کنترل شهر کرکوک بوده است. (اسدی، ۱۳۸۵: ۴۲). از نگاه دولت عراق، استقلال کردستان به معنای تجزیه عراق است و این موضوع نه تنها از نظر سیاسی برای این کشور قابل قبول و خوشایند نیست، بلکه از نظر اقتصادی نیز سبب از دست رفتن منابع و ذخایر نفت و گاز خواهد شد.

## ۲-۱-۳- عدم همراهی شیعیان و سنی‌ها با استقلال کردستان عراق

از لحاظ جمعیتی کشور عراق از سه گروه عمده (شیعه‌ها، اکراد، سنی‌ها) تشکیل شده است. بعد از تحولات اخیر در عراق، شیعیان و اکراد از فدرالیسم حمایت کردند اما اهل سنت با آن مخالف بودند، پس از تدوین قانون اساسی جدید عراق، شیعیان که در اکثریت قرار دارند خواهان اجرای قانون اساسی هستند اما اهل سنت نگرانند در صورت ایجاد منطقه فدرال و یا استقلال مناطق، در منطقه مرکزی که فاقد نفت است محاصره شده و گرفتار شوند و یا جایگاه خود را از دست رفته می‌بینند (ازغندی و کرمی، ۱۳۸۶: ۱۷) اما کردها نه تنها خواهان فدرالیسم، بلکه با اجرایی شدن آن به دنبال منافع خود و کسب اختیارات بیشترند. در این میان آنچه مشکلات را بیشتر می‌کند این است که هر کدام از گروه‌های موجود در عراق برای تقویت خود در برابر دیگر گروه‌ها به دنبال پیدا کردن متحدی در خارج از کشور خود هستند و با توجه به اینکه منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متفاوت و بعضاً متضاد بوده حل مشکل را پیچیده کرده

است. کردها برخلاف دیگر اقوام که از حمایت نسبی کشورهای منطقه برخوردارند فاقد حمایت منطقه ای هستند. از این رو گروه های کردی به سوی همکاری و کسب حمایت هرچه بیشتر از آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای فرامنطقه ای سوق پیدا می کنند. با این حال وضعیت عراق به گونه ای است که هیچ گروهی به تنهایی قادر به حکومت کردن بر این کشور نیست. از طرف دیگر تلاش هر کدام از گروه ها برای در اختیار گرفتن قدرت در عراق به معنای تجزیه این کشور و بروز جنگ داخلی است. در نتیجه اوضاع داخلی کشور عراق و مخالف بودن سایر گروه های داخلی (شیعه و سنی) با جدایی و یا مستقل شدن کردها، مانعی برای تاسیس دولت مستقل کردی در شمال کشور عراق می باشد. (سنبل، ۱۳۰: ۱۳۸۱-۱۲۸).

## ۲-۲- نقش قدرت های منطقه ای در تحولات کشور عراق

### ۲-۲-۱- ترکیه

مرز مشترک طولانی با اقلیم کردستان عراق، تشابهات فرهنگی و مذهبی با آن اقلیم، وسعت مناطق کردنشین، محدودیت های فرهنگی و سیاسی کردها در ترکیه، جمعیت زیاد کردها و عدم توسعه مناطق کردنشین ترکیه سبب شده است مناطق این کشور تحت تاثیر بیشتری از تحولات اقلیم کردستان عراق باشند. کردها بزرگترین اقلیت نژادی ترکیه هستند که ۱۱ درصد جمعیت و از نظر وسعت جغرافیایی ۳۰ درصد از خاک ترکیه را تشکیل می دهند (مرادیان، ۱۳۸۴). کردها در ترکیه به دلیل تمایزات نژادی و زبانی واگرا هستند. تشکیل دولت به معنای از دست دادن شرق و جنوب شرق ترکیه خواهد بود. از این رو ترکیه نه تنها مخالف شکل گیری دولت مستقل کردی بوده، بلکه با هرگونه منطقه خودمختار کرد در شمال عراق به نام کردستان نیز مخالف است و آنرا موجب تجزیه کشور خود و بحران در منطقه می داند. بنابراین سیاست اصلی ترکیه در قبال کردهای عراق، ترکانیزه کردن شمال عراق به دنبال شرایط پیش آمده ناشی از اختلاف کشورهای عربی، ضعف دولت مرکزی عراق و همراهی دولت آمریکا با ترکیه هست (رئوف، ۲۱۹: ۱۳۷۷). هر چند ترکیه از بدو تا سپس سیاستش مبنی بر انکار هویت کردی بوده است، اما بعد از تشکیل دولت جدید عراق و نفوذ کردها رویکرد خود را تغییر داده و سیاست ملایم تری را اتخاذ کرده است. ترکیه از یک طرف نمی خواهد از سود سرشار اقتصادی که از روابط با اقلیم عراق عاید کشور ترکیه می شود چشم پوشی کند و از طرف دیگر به دلیل ترس از تهدیدات امنیتی اکراد با توجه به جمعیت زیاد آنها در ترکیه و تاثیر استقلال کردستان عراق بر مناطق کردنشین این کشور، به شدت مخالف استقلال آن هست. از این رو ترکیه همه پرسى استقلال کردستان عراق را اشتباهی بزرگ توصیف کرده است.

### ۲-۲-۲- ایران



موضوع کردهای ایران بیش از آنکه دارای چالش‌های داخلی باشد متاثر از تحولات خارجی و نقش آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای یا فرا منطقه‌ای است. کشور ایران پس از جنگ دوم جهانی، تجربه‌های ناخوشایندی از مساله کردستان را در حافظه دارد و همواره از کنش‌های بیگانگان در مناطق کردنشین منطقه نگران بوده است (سریع‌القلم، ۱۵۸: ۱۳۷۶). اگرچه مناطق کردنشین ایران در قیاس با سایر مناطق کشور میانگین سطح توسعه ملی جزو مناطق محروم و کم توسعه یافته محسوب می‌شود (کاویانی راد، ۲۱۰: ۱۳۸۹). به رغم چنین شرایطی در مقام مقایسه با کردهای ترکیه و عراق، گرایش‌های مرکزگریزی کردها در ایران چندان قوی نبوده است. بسیاری از کارشناسان علت این واقعیت را ایرانی بودن کردها و همانندی فرهنگ آنها با دیگر ایرانیان دانسته‌اند (کریمی پور، ۳۹: ۱۳۸۰). البته تلاش قدرت‌های خارجی زمانی موثر واقع خواهد شد که گفتمان مرکز نسبت به خواسته‌های قومی کردها مانند مطالبات سیاسی، اقتصادی و مذهبی بی توجه باشد. با توجه به چنین شرایطی هرگونه تحرکات قومی در آن سوی مرزهای ایران مورد توجه جدی کشور قرار می‌گیرد. این موضوع زمانی اهمیت پیدا می‌کند که همه احزاب و گروه‌های مخالف کرد ایرانی در قلمرو منطقه کردستان مستقر شده باشند و آزادانه به فعالیت سیاسی و به ویژه رسانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی پردازند. برخی از این گروه‌ها مانند گروهک تروریستی پژاک به اقدامات مسلحانه و تروریستی علیه ایران دست می‌زنند (براندون، ۶۰: ۱۳۸۸). با توجه به چنین واقعیت‌هایی منطقه اقلیم کردستان عراق نمی‌تواند انتظار خاصی از ایران داشته باشد، مگر این که اقدامات مثبتی در جهت برداشتن ذهنیت‌های منفی بردارد. بنابراین اگر کردهای عراقی مانع استفاده از خاک خود توسط دشمنان ایران شوند می‌توانند روابط سازنده‌تر و مناسبات سیاسی بهتری داشته باشند، اما بی توجهی آنان به این موضوع نتیجه عکس خواهد داشت (رفیع، ۸۷: ۱۳۹۸). دولت جمهوری اسلامی با توجه به شرایط حاکم بر اقلیم کردستان عراق و سیاست قدرت‌های منطقه‌ای چون رژیم اسرائیل و عربستان سعودی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا که در صدد استفاده از عنصر کردستان عراق برای گرفتن امتیاز و تهدید جدید علیه ایران هستند خواهان حفظ تمامیت ارضی عراق است. بنا بر این مهم‌ترین راهبرد ایران در قبال تحولات دودهمه اخیر کشور عراق حفظ تمامیت ارضی و مخالفت با هرگونه استقلال خواهی منطقه کردستان بوده و برگزاری همه پرسی در کردستان عراق را خطایی استراتژیک خوانده است (حاتمی و سانبار، ۱۳۹۶: ۸۷). گرچه تهدید دولت اقلیم کردستان برای ایران به مثابه دولت‌های دیگر نیست، چون که از نظر جغرافیایی کردها و سعت کمتری داشته و از منابع چندان بر خوردار نیستند. آنچه برای ایران اهمیت دارد آن است که جدایی کردها، دیگر اقوام ایرانی را نیز تحریک کرده و آنها را دچار واگرایی خواهد کرد.

## ۲-۲-۳- اسرائیل

استراتژی رژیم صهیونیستی استفاده ابزاری از کردهای اقلیم کردستان عراق در داخل کشور و کشورهای همسایه آن است تا از طریق آن به عنوان یک آلترناتیو و اهرم فشار علیه دولت‌ها استفاده کند، چون سیاست اصلی اسرائیل بر اساس اتحاد پیرامونی در منطقه خاورمیانه شکل گرفته است. بر اساس دکترین اتحاد پیرامونی، اگر رژیم اسرائیل بخواهد با منطقه ارتباط برقرار کند، باید از فرصت‌های موجود استفاده کرده و مناسبات خود را با کشورهای غیر عرب منطقه نظیر ترکیه، ایران و اقلیت‌های قومی، مذهبی خاورمیانه که از سوی اعراب در فشار هستند، افزایش دهد (شیفر، ۱۳۸۶). بر این اساس رژیم صهیونیستی برای فرار از انزوای محیطی در نیم قرن

گذشته سعی در روابط راهبردی با کشورهای غیر عرب منطقه داشته است (خطیب زاده، ۱۳۸۱، ۴۰۷). از این روتمایل رژیم اسرائیل به برقراری مناسبات با اکراد شمال عراق و حمایت گسترده مالی و تسلیحاتی از آنها مبتنی بر آموزه اتحاد پیرامونی بن‌گورین اولین رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی می‌باشد (جنتی محب، ۱۳۹۱: ۱۷۵). در سال ۲۰۰۴ روزنامه نگار آمریکایی (سیمون هرش) در مقاله‌ای تأکید کرد صهیونیست‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکاییها در پروژه دموکراسی و ایجاد ثبات در عراق ناموفق بوده و باید از نتایج چنین ناکامی نگران بود. بنابراین باید از تجزیه عراق حمایت کرد و کردهای عراق را به این سمت حرکت داد. بررسی‌های تاریخی و جامعه‌شناسی رژیم صهیونیستی و کردها نشانگر حداقل دو وجه مشترک میان آنها است: ۱- غیرعرب بودن ۲- دشمن مشترک (خسروی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). از طرف دیگر عامل توجه اسرائیل به کردهای عراق، تمایل برای نزدیکی به ملت‌های بدون دولت هست. به باور یهودی‌ها ملت‌هایی نظیر ملت کرد که فاقد دولت هستند، دارای مشترکات تاریخی فراوانی با یهودیان هستند و می‌توانند متحدان خوبی برای هم باشند. به طور اساسی سیاست و استراتژی اسرائیل در قبال کردها بر پایه منافع استراتژیک این رژیم استوار و متکی هست نه بر پایه دفاع از حقوق اقلیت‌ها. هدف اصلی اسرائیل از زدن این سیاست پیدا کردن کانون جدید بحران در منطقه است. این رژیم معتقد است که با حمایت و ایجاد کشوری مستقل برای کردها در شمال عراق، تعادل ژئوپلیتیکی بهتری به نفع این رژیم در شمال خاورمیانه برقرار خواهد شد. از طرف دیگر قدرت چانه‌زنی اعراب با اسرائیل به دلیل کشوری غیرعرب در خاورمیانه که مشکلات تاریخی با اعراب داشته و از پتانسیل رابطه خوب با اسرائیل برخوردار است، کم خواهد شد. اسرائیل می‌تواند با تجزیه عراق سبب کاهش تهدیدات علیه خود شده و به برهم زدن موازنه قدرت در منطقه به نفع خویش عمل کند. همچنین اسرائیل در صدد هست با تشکیل گروه‌های شبه نظامی در میان اکراد، اهرم فشاری بر علیه ایران ایجاد کند. به موازات آن رژیم صهیونیستی در تلاش است با تشکیل حکومت مستقل کرد، زنجیره میان شیعه‌ها که از پاکستان تا لبنان امتداد دارد قطع کند. باید توجه داشت که ایجاد اختلافات فرقه‌ای و قومی در منطقه ضمن آنکه باعث افزایش قدرت چانه‌زنی اسرائیل در منطقه می‌شود، می‌تواند اهرم فشاری بر علیه کشورهای دیگری باشد که دشمن اسرائیل محسوب می‌شوند (معین‌الدینی، ۱۳۸۵: ۱۳۸). با توجه به مطالب عنوان شده به نظر می‌رسد که اسرائیل به دلیل عدم حمایت جدی آمریکا و اروپا از تشکیل دولت مستقل کرد، این کشور خواهان ادامه وضعیت کنونی در ارتباط با کردها و تداوم تنش بین گروه‌های فرقه‌ای و قومی و کشورهای حامی آنان در منطقه و استفاده از اکراد در معادلات آن باشد.

## ۲-۳- نقش قدرتهای فرامنطقه‌ای در حوادث عراق

### ۲-۳-۱- آمریکا

ایالات متحده آمریکا تاکنون نتوانسته سیاست منسجم و واحدی در ارتباط با اکراد کشور عراق به دلیل متضاد بودن منافع خود در منطقه داشته باشد. آمریکا از یک طرف با مساعدت به استقلال اکراد در عراق، می‌تواند جایگاه اسرائیل را در منطقه بهبود بخشد و با استفاده از قدرت کردها و ایجاد ناامنی در منطقه حضور خود را تحکیم و منافعش را تامین کند و از طرف دیگر حفظ توازن قوا در

کشور عراق میان گروه‌های سه‌گانه شیعه، سنی و کرد، نگرانی در خصوص قدرت‌گیری شیعه‌ها در عراق و حضور و نفوذ برای مهار بازیگران رقیب و متعارض منطقه‌ای از دیگر منافع راهبردی اقلیم کردستان عراق برای آمریکا هستند (حاتمی و سانیار، ۱۳۹۵: ۲۷۹). حمایت آمریکا از اکراد عراق موجب نارضایتی و شکاف میان آمریکا و ترکیه خواهد شد. آمریکا در دو مقطع خاص، سقوط صدام و ظهور داعش به اقلیم کردستان عراق کمک ویژه‌ای کرده است. چون با حمایت آمریکا بود که کردها توانستند خودمختاری را کسب و در قدرت ملی عراق سهم شوند و در قانون اساسی جدید اختیارات زیادی کسب کنند. به نظر می‌رسد اگر قدرت‌گیری شیعیان عراق و به تبع آن نفوذ ایران در این کشور پس از صدام صورت نمی‌گرفت، سیاست‌های آمریکا به سوی دولت مرکزی قدرتمند پیش می‌رفت، اما روند تحولات، آمریکا را به اتخاذ سیاست فدرالیسم در عراق مجبور کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اساساً آمریکا موافق استقلال کردها نیست. چون بعد از سقوط صدام، سیاست مبهم آمریکا در مقابل اکراد به ویژه مقاومت آنها در مقابل درخواست کردها برای الحاق منطقه نفت خیز کرکوک به اقلیم کردستان عراق، این گرایش را در میان کردها تقویت کرد که آمریکا هر جا سیاستش ایجاب کند اکراد را فدای برنامه‌های خود خواهد کرد.

### ۳- نتیجه‌گیری

برنامه ریزی و سعی اکراد برای به دست آوردن استقلال (مستقل شدن)، ایجاد و راه اندازی دولت مستقل کردی در دهه‌های گذشته در جهت آرمانهای کردی انجام شده است. شرایط مستقل شدن و اعلام استقلال بعد از تحولات اخیر منطقه خاورمیانه در عراق فراهم گردید. سقوط رژیم بعث عراق، سرنگونی صدام و ظهور داعش در کشور عراق، بستری را برای اکراد عراق فراهم کرد تا با استفاده از شرایط پیش آمده و بروز اختلاف‌های ایجاد شده در بین قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران، عربستان، سوریه و ترکیه و ضعف دولت مرکزی عراق، در راستای کسب امتیازات در قالب فدرالیسم و خودمختاری گام بردارند. به موازات این شرایط، حمایت همه‌جانبه آمریکا و اروپا از منطقه اقلیم کردستان عراق در مهارت داعش و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای، رهبران اقلیم عراق را به سمت اعلام استقلال پیش برد. پژوهش حاضر سعی برای فهم چرایی اعلام استقلال کردستان عراق و بررسی عوامل ناکامی در فرایند استقلال صورت گرفته در اقلیم کردستان عراق می‌باشد.

منطقه کردستان عراق در اعلام استقلال با موانع متعددی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روبه‌رو بوده است. شرایط داخلی مانند: مخالفت دولت عراق، گروه‌ها و احزاب عراقی و درگیری احزاب عراقی با یکدیگر، شرایط منطقه‌ای همچون مخالفت ترکیه، ایران، سوریه و اعراب، شرایط فرامنطقه‌ای از قبیل عدم حمایت موثر آمریکا، اروپا و حتی روسیه، امکان تحقق استقلال کردستان

عراق و تشکیل دولت مستقل کرد را در مقطع کنونی منتفی کرده است. باید توجه داشت با توجه به پذیرش قانون اساسی عراق از سوی اقلیم کردستان و بهره‌مندی از مزایای آن توسط کردها، امکان جدایی و استقلال منتفی بوده و در صورت مطرح کردن چنین درخواستی از طرف اقلیم کردستان عراق، این امر باید در یک همه‌پرسی عمومی در کشور عراق مورد پذیرش تمام ساکنان آن قرار بگیرد. تحولات پس از انتخابات اخیر عراق، منطقه کردستان را مجموعه‌ای دارای انسجام درونی و پایدار معرفی می‌کند که نقش ایران را در این انسجام به رسمیت شناخته است.

## منابع

- ۱- احمدی، حسین (۱۳۹۴) بررسی حوادث سیاسی مناطق کردنشین ایران، تهران، موسسه مطالعات تاریخ سیاسی ایران.
- ۲- الیس، هادی (۱۳۸۶) خواسته کردها برای تشکیل دولت و آینده عراق، ترجمه امیرمحمدحاجی یوسفی و احمد سلطانی، وزارت امور خارجه، تهران.
- ۳- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۹۰)، ((کردستان عراق هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۰.
- ۴- ازغندی، علیرضا و صابر کرمی (۱۳۸۶). خودگردانی و ایجاد نظام سیاسی دمکراتیک در عراق، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، سال چهارم، شماره ۷.
- ۵- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۵). تشکیل دولت عراق، ماهنامه اطلاعات راهبردی، ش ۳۵.

- ۶-برزگر، کیهان (۱۳۸۵)، ((سلسلست خارجی در عراق جدید)) تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۷-بوزان، باری (۱۳۸۸)، از جامعه بین الملل تا جامعه جهانی، ترجمه قاسمی، تهران: مطالعات راهبردی.
- ۸-بوزان، باری و الی ویور (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت ها، تهران: مطالعات راهبردی.
- ۹-پیشگامی فرد، زهرا و بهرام نصراللهی زاده (۱۳۹۱)، پیامد های تشکیل حکومت ناحیه کردستان عراق در کردستان ایران، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۳، شماره ۲.
- ۱۰-ترابی، قاسم (۱۳۹۰)، عراق در مسیر ثبات یا بی ثباتی، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۱۱-تقی پور، تقی (۱۳۸۳)، استراتژی پیرامونی اسرائیل، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۱۲-حاجی یوسفی، امیرمحمد و سلطانی نژاد (۱۳۸۷)، سامان سیاسی در عراق جدید، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- ۱۳-حاتمی، محمدرضا و میکائیل سانبار (۱۳۹۵)، همه پرسی اقلیم کردستان: منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۷۶.
- ۱۴-حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۸۳.
- ۱۵-جنتی محب، فائزه (۱۳۹۱)، معادلات سیاسی اقلیم کردستان: با تمرکز بر نقش اسرائیل در تطویل معمای کرکوک، فصلنامه مطالعات منطقه ای: آمریکا شناسی-اسرائیل شناسی، سال ۱۴، ش ۱.
- ۱۶-خالوزاده، سعید (۱۳۹۱)، حرکت کردهای سوریه به سوی خودمختاری، مرکز بین المللی مطالعات صلح.
- ۱۷-خسروی، علی رضا (۱۳۸۷)، افزایش حضور اسرائیل در عراق: استراتژی گسترش و نفوذ، فصلنامه راهبرد، سال ۱۶، ش ۴۸.
- ۱۸-خطیب زاده، سعید (۱۳۸۱)، ترکیه و اسرائیل در تلاش برای یافتن چارچوب جدید امنیتی-سیاسی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۶، ش ۲.
- ۱۹-روحی، نبی الله (۱۳۹۳)، ((استراتژی اسرائیل در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران))، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۴.
- ۲۰-رئوف، عادل (۱۳۷۷)، سیاست ترکیه در خصوص شمال عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس، فصلنامه خاورمیانه، سال ۵، ش ۱.
- ۲۱-رفیع، حسین (۱۳۹۱)، موانع همگرایی ایران و ترکیه در آسیای میانه و قفقاز، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۵، ش ۱۰.
- ۲۲-روزبه، عبدالله و جوادکیانی (۱۳۹۵)، تحولات کردستان عراق و تاثیرات آن بر خاورمیانه، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال ۷، ش ۲.

- ۲۳- زیبا کلام، صادق و محمدرضا عبدالله پور (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق، عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۴.
- ۲۴- ژرژ، پی‌یر، (۱۳۷۴). ژئوپلیتیک اقلیت‌ها، ترجمه سیروس سهامی، مشهد: نشر واقفی.
- ۲۵- ژینو، برژینسکی (۱۳۸۴). انتخاب: رهبری یا سلطه جهانی، ترجمه امیر حسین نوروزی، تهران، نشر نی.
- ۲۶- درویشی، فرهاد و علی محمدیان (۱۳۹۲). بررسی سیاست خارجی ترکیه در اقلیم کردستان عراق بر منافع جمهوری اسلامی ایران ۱۳۲۰-۱۹۹۱، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۸۵.
- ۲۷- سریع القلم، محمود (۱۳۷۶). نظام بین الملل و مساله صحرای عربی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۲۸- سنبل، نبی (۱۳۸۱). سناریوهای پس از صدام، نگاه، ش ۳۰.
- ۲۹- سیف زاده، سید حسن (۱۳۶۸). نظریه‌های مختلف در روابط بین الملل، تهران، نشر سفیر.
- ۳۰- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۴). نظریه‌ها و تئوریهای مختلف در روابط بین الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، وزارت امور خارجه.
- ۳۱- شیخ عطار، علی رضا (۱۳۸۲). کردها، قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، جلد اول، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۳۲- شیفر، شیمون (۱۳۸۶). توپ برفی، ترجمه محمود شمس، تهران، نشر رسا.
- ۳۳- عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۰). تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان منطقه‌ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۸، ش ۲.
- ۳۴- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶). اصول روابط بین الملل، تهران: نشر میزان.
- ۳۵- قزاز، رمزی (۱۳۸۱). تحلیلی تاریخی و جامعه‌شناسی بر جنبش‌های سیاسی و فرهنگی کرد (از اواخر سده ۱۹ تا میانه سده ۲۰)، ترجمه مسعود ایزدی، آزاداندیشان تهران.
- ۳۶- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۷). تحلیل ژئوپلیتیک تحولات کردستان عراق، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۲۰.
- ۳۷- کریمی پور، یدالله (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش)، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.

- ۳۸- کوچرا، کریس (۱۳۷۲). جنبش ملی کرد، مترجم ابراهیم یونسی، تهران، نشرنگاه.
- ۳۹- کندل، وانلی (۱۳۷۲)، شریف، عصمت، کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان
- ۴۰- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، سیاست ایران در قبال کردستان عراق، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۴۱- لیک، دیویدای و پاتریک، ام مورگان (۱۳۸۱)، نظم های منطقه ای، امنیت سازی در جهان نوین، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴۲- محبی، اعظم (۱۳۹۲). سیاست تعادلی اقلیم، فصلنامه همشهری دیپلماتیک، ش ۷۵.
- ۴۳- محمدی، آیت (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی کرد، نشر پرسمان.
- ۴۴- محمدی، حمیدرضا، حسین خالدی و ندیمه سلیم نژاد (۱۳۸۹) خودگردانی شمال عراق و تاثیرات آن بر حرکت های قوم گرایانه پیرامونی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۶، ش ۱.
- ۴۵- محمدی، علی اصغر (۱۳۸۷). مساله عراق، همشهری دیپلماتیک، ش ۲۴.
- ۴۶- محمدیان، علی وقاسم ترابی (۱۳۹۴) تبیین تاثیر تحولات عراق بر اقلیم کردستان، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۷۲.
- ۴۷- مرادیان، محسن (۱۳۸۴) آشنایی با کشور ترکیه، ارتش جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیادشیرازی، تهران.
- ۴۸- معین الدینی، جواد (۱۳۸۵). ژئوپلیتیک خاورمیانه و امنیت خلیج فارس، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۶ و ۲۵.
- ۴۹- ملاعمر، صالح (۱۳۸۰). بحران آفرینی قدرت ها در کردستان عراق، تهران، نشر توکلی.
- ۵۰- مهری پور، ذبیح الله (۱۳۷۹) تحولات شمال عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- ۵۱- محرابی، مانی (۱۳۹۶). منافع اسرائیل، عربستان و امارات در فرماندوم کردستان عراق.
- ۵۲- نامی، محمدحسن (۱۳۹۰)، جغرافیای کشور عراق با تاکید بر مسائل ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۵۳- نصری، قدیر (۱۳۸۴). الگوی روش شناختی برای مطالعه جامعه شناسی قدرت، فصلنامه مطالعات راهبردی دفاعی، سال ۳، ش ۹.
- ۵۴- نصری، قدیر (۱۳۹۲)، ((امکان سنجی استقلال کردستان عراق و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران))، فصلنامه امنیت پژوهی، سال ۱۲، شماره ۴۴.
- ۵۵- نصری مشکینی، قدیر (۱۳۷۸). جمعیت و امنیت، امکانات و موانع پیدایش دولت مرکزی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵ و ۶.

۵۶- نکدیمون، شلمون (۱۳۸۵). موساد در عراق، ترجمه اصغر قائدان و نبی الله روحی، تهران، اندیشه سازان نور.

۵۷- واعظی، محمود (۱۳۸۷). امنیت سازی در عراق با زیگران و رویکردها، همشهری دیپلماتیک، ش ۲۴.

۵۸- واعظی، محمود (۱۳۸۷). (رویکرد گروه‌های داخلی عراق به ایران و آمریکا)، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۲۳.

۵۹. Guzansky.yoel(2014).israelsperipherydoctrine2.0:TheMediterraneanplus.Mediterraneanpolitis es.vol19.No1.99-116.

۶۰. Rabinovich.Itamar(2015.israelandThechangingeast..thecenterformiddleeastpolicyatbroking.

۶۱. [http://www.indexmundi.com/Iraq/demographics\\_profile.html](http://www.indexmundi.com/Iraq/demographics_profile.html).

۶۲. [www.iraq-demographics-profile.com](http://www.iraq-demographics-profile.com) (2014).



**Abstract:**

Developments in Iraqi Kurdistan, especially after Saddam, have raised a number of security concerns for Iraq's Kurdish population areas. The leaders of the Iraqi region declared the independence of the region in the media, in the hope of using the role of the Zionist regime to encourage the United States to support the Iraqi Kurdistan region, given the intense conflicts and differences between the countries in the region. The imbalance of power in the region was followed by regional threats to other countries. The declaration of independence turned Iraqi Kurdistan into an arena of rivalry and conflict between regional and supra-regional powers. This article aims to assess the process of independence of Iraqi Kurdistan and the role of regional and supra-regional actors. What are the challenges facing the independence of Iraqi Kurdistan? current study follows the descriptive and analytical method with the hypothesis that the independence of the Iraqi Kurdistan region has faced several challenges at the regional and supra-regional level. The internal situation in Iraq, such as the opposition of the Iraqi government, groups and parties, the conflict between the two major Kurdish parties, and regional conditions, such as the opposition of Iran and Turkey, and trans-regional conditions, such as the lack of serious US and European support, the independence of Iraqi Kurdistan and the formation of an independent government has become impossible.

Keywords: Iran, regional powers, supra-regional powers, Iraqi Kurdistan region, Kurdish